

در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۲۳ برابر با ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ جلسه ای از سوی چریکهای فدائی خلق ایران در کلاب هاوس در همبستگی با مبارزات خلق بلوچ برگزار شد. متن زیر سخنرانی رفیق ایاز در آن جلسه می باشد.

## نگاهی به وضعیت بلوچستان

با سلام به رفقا و دوستان حاضر در این جلسه و تشکر از برگزار کنندگان جلسه که به این طریق از مبارزات خلق بلوچ پشتیبانی کرده و در تلاش اند که صدای مردم تحت ستم را هرچه بیشتر منعکس کنند. در اینجا با گرامی داشت یاد و خاطره تمامی جانباختگان جنبش اخیر، مایلم چند کلمه به زبان بلوچی بگویم: "دست بندیگان منی بگ جط، گوکوال، شوانگی و سنگت راج بلوچان، من ندرریان بچکانا" ترجمه فارسی: "با احترام به ساربانان، گاو چرانان و شبانان عزیز قوم بلوچ من فدای کارگران کشاورز."

چون می دونم که سخنران بعدی قرار است به مسائل مبارزاتی جاری در این منطقه بپردازد درست دیدم بیشتر اطلاعاتی از اوضاع بلوچستان را در اختیار جمع بگذارم تا شما بیشتر از اوضاع این منطقه مطلع شوید.

منطقه ای که خلق بلوچ در آن سکنی دارد در دوران هخامنشی "مکا" نامیده می شد که بعد به "مکران" تغییر نام یافت. این منطقه در جنوب شرقی فلات ایران قرار دارد که از کنار کویر کرمان تا مرز های غربی سند، پنجاب و هند را در بر میگیرد. بلوچستان در تاریخ ۱۸۷۲ میلادی توسط امپریالیسم انگلیس و مرتجعین منطقه به سه قسمت شرقی، غربی و شمالی بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شد.

بلوچستانی که ما امروز در مورد آن صحبت می کنیم همراه با سیستان یکی از استان های ایران است که پس از کرمان پهناور ترین استان کشور را تشکیل میدهد، یک سرزمین خشک و کویری و دارای آب و هوای گرم و خشک است. در سالهای اخیر خشکسالی و بی آبی بر دردهای دیگر مردم هم اضافه شده است. این استان حدود ۱۸۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد یعنی حدود ۱۱ درصد مساحت کشور را تشکیل میدهد و به دلیل مناسبات اقتصادی و طبیعی یکی از کم تراکم ترین استان های ایران می باشد.

سیستان و بلوچستان روی یکی از کمر بند های فلزی و معدنی جهان قرار دارند که معادنی همچون: کرومیت، مس، منگنز، آنتیموان، تیتانیوم، اورانیوم، سرب، روی قلع و طلا و مواد غیر فلزی مثل گل سفید، سنگهای ساختمانی و تزئینی به خصوص گرانیت و مرمر را شامل می شود. میزان مواد آهن موجود در این منطقه نیز بسیار قابل توجه است. همچنین معدن طلای "انجیرک" تفتان را میشود گفت که یکی از بزرگترین معادن طلای ایران است (دارای ذخیره ۲۴ میلیون تن شناخته شده که احتمال داده میشود تا ۴۹ میلیون تن افزایش یابد).

بر اساس برخی گزارشات تا کنون کلاً ۴۱۷ معدن در این استان در حال بهره برداری است که ۴۰۰ معدن در مقیاس کوچک و ۱۷ معدن در مقیاس بزرگ فعال هستند. معادنی که حدود ۸ هزار کارگر در آنها مشغول بکار می باشند.

سیستان و بلوچستان با اینکه مملو از مواد معدنی متعددی می باشد و در حالیکه ثروت عظیمی در دل این سرزمین نهفته است، اما یکی از فقیرترین استانهای ایران به شمار می رود، چرا که همه این

ثروت ها از دیر باز توسط غارتگران امپریالیست و نوکرانشان به یغما رفته است. در حال حاضر بواسطه وابستگی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به امپریالیستها بهره برداری از معادن موجود در بلوچستان بیشتر توسط سرمایه داران خارجی صورت می گیرد که البته سرمایه داران ایران هم از غارت ثروت ملی بلوچستان سهم خود را می برند.

بر اساس آمارهای دولتی تا کنون ۳۷ میلیون تن ذخیره معادن طلا و ۵۰۰ میلیون تن ذخایر مس در این استان شناسائی شده است، که البته باید دانست که جدا از این ارقام در سالهای اخیر کشفیات جدیدی هم شده است برای نمونه در محدوده شهرستان میر جاوه یک کانسار جدید با ذخیره بیش از ۶ میلیون تن کانسنگ طلا با عیار کمی بیش از ۶ گرم در تن کشف شده است.

در این استان به دلیل موقعیت جغرافیایی و هم مرزی با پاکستان و افغانستان و حوزه دریای عمان و وجود تنها بندر اقیانوسی کشور یعنی چابهار و دسترسی این استان به آبهای آزاد، ظرفیت های اقتصادی چشمگیری وجود دارد که به دلایل مختلف بکار گرفته نشده است، همچنین در حوزه فعالیتهای دریایی امکانات قابل توجهی در این استان وجود دارد؛ با این حال اکثریت مردم بلوچ در فقر و فلاکت بسر می برند. کاربخشی از مردم بلوچ ماهیگیری است که با افزایش حضور شرکتهای چینی در این منطقه زندگی ماهیگیران هم با مخاطراتی روبرو شده است.

علاوه بر اینها به تازگی یک میدان نفتی عظیم در پاکستان که نزدیک به سراوان می باشد هم کشف شده که امکان وجود منابع نفتی را در این استان برجسته ساخته است.

سفیرچین اخیرا از افزایش سرمایه گذاری در سیستان و بلوچستان و در منطقه آزاد چابهار اطلاع داده و گفته این منطقه میتواند با یکی از مناطق آزاد چین بیشتر ارتباط بگیرد، واضح است که به این ترتیب بلوچستان هر چه بیشتر در حیطه سیستم سرمایه داری امپریالیستی غارت شده قرار میگیرد. مردم بلوچستان تحت بیشترین ستم ملی، مذهبی و اقتصادی قرار دارند. در همین رابطه رژیم حاکم از ایجاد صنایع در این منطقه در حد پتانسیل های موجود در منطقه خود داری کرده است. همانطور که می دانیم اکثر کارخانه ها و صنایع در مناطق مرکزی ایران مستقر هستند و بلوچستان از این نظر شدیداً مورد تبعیض قرار گرفته است، این امر موجب گسترش بیکاری در بلوچستان شده که یکی از دلایل روی آوری بسیاری از بلوچها به کار سوختبری می باشد.

به طور کلی شدت استثمار در بلوچستان و بیکاری گسترده باعث شده بیشتر مردم این منطقه از داشتن ابتدایی ترین نیازها نظیر: نان، کار، آب، مسکن محروم باشند. خیلی از جوانان برای کار به شیخ نشین های آنسوی خلیج فارس می روند. همچنین با توجه به هم مرزی با افغانستان و پاکستان قاچاق مواد مخدر شدیداً در منطقه رواج دارد و باندهای بزرگ قاچاقچی کاملاً در منطقه فعالند. در این مورد باید تاکید کنم که سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر دست دارد و کسانی که در مافیای قاچاق مواد مخدر با سپاه پاسداران جمهوری اسلامی شریک هستند از مزایای بسیاری برخوردارند. بخشی از خوانین و بخشی از مولوی های سطح بالا و بخشی هم از سران طوایف که با حکومت همکاری می کنند، در این قاچاق با سپاه شریک هستند.

اما کار سوختبری که قبلاً به آن اشاره کردم یعنی ارسال بنزین به پاکستان یکی از شغل های رایج و خطر ناک منطقه می باشد، چون قیمت بنزین در ایران از پاکستان پایین تر است، عده ای بنزین را در ایران خریده و به پاکستان میبرند. اما باید دانست که قاچاق سوخت در مقیاس بزرگ در اساس توسط سپاه پاسداران صورت میگیرد.

سپاه با توجه به امکاناتی که دارد بنزین را از ایران به طور قاچاق و در حجمی بالا به پاکستان برده و در آنجا به قیمت گران می فروشد. در حالیکه مردم عادی که سوختبرند بنزین را در پیت ها برای فروش

به پاکستان میبرند. همانطور که می دانیم همواره مورد تعرض پاسداران واقع می شوند. پاسداران برای جلوگیری از کار این سوخنبران در مواردی به طرف آنها شلیک کرده و موجب مرگ این سوخنبران محروم و تحت ستم می گردند. از این لحاظ سوختبری همانند کولبری در کردستان همواره با مخاطره همراه است ، و این مردم به قیمت زندگی شان به ناچار به چنین کار پر مشقت و خطر ناکمی روی آورده اند. بی دلیل نیست که یکی از شعار های مطرح در میان توده های انقلابی بلوچ : "نه کولبری، نه سوختبری، آزادی و برابری" است.

توده های قهرمان بلوچ در جریان مبارزات دلیرانه خودشان علیه رژیم دزد و چپاولگر جمهوری اسلامی دو بار معدن طلا در منطقه انجیرک تفتان را عملاً تعطیل کردند. اولین بار در ۲۶ مهر ماه ۱۴۰۱ ، و دومین بار در دهم آبان ماه ۱۴۰۱ ، مردم با تجمع در این معدن از فعالیت آن جلوگیری کردند. آنها معتقدند که سرمایه های این معدن متعلق به خلق بلوچ است و " سرمایه داران" داخلی و خارجی حق استخراج و غارت آن را ندارند و خود مردم بلوچ با نیروی کار خود می توانند ثروت حاصل از این معدن را صرف رفاه و آسایش توده های محروم منطقه بکنند.

اجازه بدید کمی هم در مورد کارهایی که در بلوچستان زیاد رایج ست بگویم : جدا از کار در معادن و سوختبری، سوزن دوزی، حصیر بافی و کارهای دستی در این منطقه رواج دارد که عمدتاً توسط زنان بلوچ انجام میشه، بافت لباس های بلوچی بخشی از صنایع دستی این منطقه تلقی میشود. سرامیک سازی و رد و بدل کالا از طریق مرز نیز از حوزه هائی است که بخشی از شاغلین بلوچ را بکار گمارده است.

در این منطقه مثل همه جای ایران رشد سیستم سرمایه داری بتدریج بافت جوامع را کاملاً بهم زده است. با اینکه هنوز ساختار قبیله ای به مقدار کمی وجود دارد که نحوه معیشت و اقتصادشان شبانی و کوچ نشینی است، اما به علت بهتر شدن وضع ارتباطات، سیستم قبیله ای که بیشتر به شکل دامداری سنتی بود، تا حد زیادی از بین رفته و اصلاً مثل قدیم نیست. گرچه طوایف مختلف مانند: اسماعیل زهی، ریگی، نارویی، گمشاد زهی و ... هنوز وجود دارند و در اتفاقات سیاسی و اجتماعی منطقه در چند سال اخیر نقش قابل توجهی داشته اند، اما نفوذ و موقعیت قبلی را از دست داده اند.

در اینجا لازم می دانم اضافه کنم که برخی بدون آگاهی به وضعیت زندگی مردم در بلوچستان، مردمان بلوچ را افرادی که اسیر مناسبات قبیله ای و عقب مانده هستند می پندارند. این ناشی از تبلیغات مسموم کننده و سیاست های ضد خلقی، شوونیستی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. البته شرایط زندگی سخت و محرومیت های فراوان وضع خاصی را در بلوچستان بوجود آورده است. مثلاً در توصیف محرومیت مردم در این منطقه این را بگویم که برخی از بلوچها برای دستیابی به آب باید حدود ۴ کیلومتر راه طی کنند تا بتوانند به آب آشامیدنی دسترسی پیدا کنند. محرومیت در امور تحصیلی و کمبود های بهداشتی هم در این منطقه بیداد می کند . مثلاً گاهی یک بیمار مجبور است بیش از ۲۰۰ کیلومتر را طی کند تا به مراکز درمانی و پزشک برسد .

در خاتمه ضروری می دانم تاکید کنم که ستم ملی و مذهبی در بلوچستان بیداد می کند. دستگاه سرکوب رژیم در ۴۴ سال گذشته تا توانسته مردم بلوچ را تحقیر و مورد آزار قرار داده است. می دانیم که مذهب رسمی در جمهوری اسلامی شیعه می باشد در حالیکه اکثریت مردم بلوچ سنی هستند آن هم سنی " حنفی " این امر به اعمال ستم بر این مردم افزوده است. همچنین زبان بلوچی از زبان های شاخه شمال باختری است که در کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان صحبت می شود البته با گویش های مختلف، مردمان ساکن بلوچستان آزادی استفاده از زبان خود را ندارند و دولت مرکزی به علت مرکز گرا بودنش اجازه نمی دهد زبان و فرهنگ مردم بلوچ آزادانه اشاعه یافته و رشد و ارتقا یابد .

یکی دیگه از بدبختی های زندگی در بلوچستان یک سری مردمی هستند که شناسنامه ندارند در حالیکه شناسنامه در ایران برای احراز هویت حیاتی است . بدون شناسنامه آنها از هر نوع امکانات عمومی و خدمات دولتی بی بهره اند . خدماتی مثل دریافت یارانه، بیمه درمانی، حساب بانکی، دریافت اشتراک آب ، برق، تلفن و سایر موارد که همگی با داشتن شناسنامه امکان پذیر می گردد.

مجموعه مناسبات وحشتناک استثمار گرانه که گوشه ها یی از آن را بر شمردم باعث شده که خلق بلوچ از دیر باز برای تغییر شرایط مادی فاجعه بار حاکم بر کار و حیات خویش علیه نظام دیکتاتوری حاکم به مبارزه بر خیزد، ما در سالهای اولیه حاکمیت جمهوری اسلامی شاهد بودیم که فرزندان مبارز خلق بلوچ چگونه با گرفتن سلاح در مبارزه ای بی امان علیه ارتش و سپاه ضد خلقی از یک طرف و خانها و فئودال بورژوا های مرتجع منطقه، که با انقلاب سالهای ۵۷ - ۵۶ به خدمت جمهوری اسلامی در آمده بودند. از سوی دیگر پرچم خواسته های بر حق مردم بلوچ برای آزادی و حق تعیین سرنوشت را برافراشته نگاه داشته و در این راه جان های شیفته زیادی را تقدیم انقلاب رهائی بخش کارگران و توده های تحت ستم ایران کردند .

در جریان جنبش جاری نیز همه مردم ایران شاهد دلاوری ها و جلوه های درخشانی از مبارزات خلق بلوچ علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و مرتجعین مغلوب نظیر طالبان سلطنت بودند که تأثیرات ارزشمندی بر مبارزات سایر خلقهای تحت ستم ایران نهاد.

بگذارید سخنانم را با قدردانی از مبارزات دلیرانه زنان و مردان بلوچ پایان دهم، زنان و مردان آگاه و رزمنده ای که برای رفع هر گونه ستم اقتصادی، ملی، مذهبی و هرگونه تبعیض و نابرابری مبارزه می کنند و شجاعانه در مقابل هجوم وحشیانه سرکوبگران رژیم ایستادگی می کنند. این دلیران که در ماه های اخیر در تظاهرات ضد رژیم شرکت کردند. شعارهایی می دادند و پوستر هایی به دست می گیرند که نشان دهنده سطح آگاهی بالای آنها است .

درد فراوان به این مبارزین و پایدار باد اتحاد همه خلق های تحت ستم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه دارن خونخوار، با تشکر از شما که به سخنانم گوش دادید.